



The Iranian Association of
Medical Law



The Bioethics and Health
Law Institute

Conflict of Laws and the Areas for Resolving it in the Field of Securities Transfer of Pharmaceutical and Medical Companies

Shokoofeh Sanei¹, Mehdi Fallah Kharyeki^{1*}, Mahboobeh Roohi¹

1. Department of Law, Ayatollah Amoli Branch, Islamic Azad University, Amol, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Pharmaceutical and medical companies handle a large volume of financial transactions in the economy of each country, and their entry into the stock exchange market can provide the basis for the expansion and deepening of the capital market, increasing financial transparency, and reducing inflation. Conflict of laws in the field of pharmaceutical and medical companies active in the stock exchange market becomes relevant when foreign companies that produce or supply medicines and medical equipment seek to enter the stock market of the host country. In these circumstances, it is possible that in relation to the rules related to the transfer of securities belonging to this company, the percentage of ownership of shareholders and founders, the type of transferable securities, conflicts may occur between the rules of the host country and the rules of the parent country of these companies, which is the subject of the present study.

Method: The research method in this study is descriptive-analytical. In this regard, reliable library sources, including primary and secondary sources, have been used.

Ethical Considerations: In this study, the principles of scientific ethics such as scientific trustworthiness, scientific originality of the text, non-discrimination and non-bias have been used.

Results: Relation to the rules for entering the stock exchange by pharmaceutical and medical companies, distinctive rules are one of the main axes of conflict of laws and the areas for resolving them in the new economic order, issues related to securities and the resolution of legal and legal disputes in pharmaceutical and medical companies that are raised in connection with them, which legal systems such as Iran and international law have paid attention to. Appropriate rules for resolving conflict of laws in Iranian legal systems and international law governing securities in the field of pharmaceutical and medical companies can play a decisive role in this regard. In this regard, considering the approach adopted by the legal systems studied, it can be noted that there is no distinction between the types of securities and the areas of their transfer in the Iranian legal system, while in the international legal system, the rules for resolving conflicts of laws in relation to them differ depending on whether the securities are registered, unregistered or intermediary.

Conclusion: According to the guidelines of the Iranian Securities and Exchange Organization, the ceiling for purchasing securities and shares in the Iranian stock market by any foreign company, including foreign pharmaceutical and medical companies, will be limited to ten percent of the total capital in circulation on the stock exchange. This limitation also exists in the field of transferring shares of foreign pharmaceutical and medical commercial companies in Iran, and in this field, conflict resolution rules are not foreseen in the Iranian Stock Exchange Law, and the only option in this field is to refer to the arbitration mechanism contained in the aforementioned law.

Keywords: Medical Companies; Pharmaceutical Companies; Conflict of Laws; Securities

Corresponding Author: Mehdi Fallah Kharyeki; **Email:** mehdifallahh@gmail.com

Received: December 24, 2024; **Accepted:** May 19, 2025; **Published Online:** November 18, 2025

Please cite this article as:

Sanei SH, Fallah Kharyeki M, Roohi M. Conflict of Laws and the Areas for Resolving it in the Field of Securities Transfer of Pharmaceutical and Medical Companies. Medical Law Journal. 2025; 19: e49.

مجله حقوق پزشکی

دوره نوزدهم، ۱۴۰۴

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>

تعارض قوانین و زمینه‌های رفع آن در زمینه نقل و انتقال

اوراق بهادار شرکت‌های دارویی و پزشکی

شکوفه صانعی^۱ ID، مهدی فلاح خاریکی^{۱*} ID، محبوبه روحی^۱

۱. گروه حقوق، واحد آیتا... آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: شرکت‌های دارویی و پزشکی، حجم وسیعی از مبادلات مالی در اقتصاد هر کشور را در دست دارند و ورود آن‌ها به بازار بورس اوراق بهادار می‌تواند زمینه بزرگ‌تر شدن و عمیق‌تر شدن بازار سرمایه، افزایش شفافیت‌های مالی و کاهش تورم را فراهم نماید. تعارض قوانین در حوزه شرکت‌های دارویی و پزشکی فعال در بازار بورس اوراق بهادار زمانی موضوعیت پیدا می‌کند که شرکت‌های خارجی تولیدکننده یا عرضه‌کننده دارو و تجهیزات پزشکی درصدد ورود به بازار بورس دولت میزبان نمایند. در این شرایط، ممکن است که در ارتباط با قواعد مربوط به نقل و انتقال اوراق بهادار متعلق به این شرکت، درصد مالکیت سهامداران و مؤسسان، نوع اوراق بهادار قابل انتقال، تعارض‌هایی میان قواعد دولت میزبان و قواعد کشور مادر این شرکت‌ها واقع شود که موضوع تحقیق حاضر است. سؤال اصلی تحقیق حاضر آن است که تعارض قوانین در زمینه نقل و انتقال اوراق بهادار شرکت‌های دارویی و پزشکی به چه صورت ایجاد شده است و زمینه‌های رفع آن به چه نحو می‌باشد؟

روش: روش پژوهش در این تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی است. در این راستا، از منابع معتبر کتابخانه‌ای اعم از منابع دست اول و منابع دست دوم بهره گرفته شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این تحقیق، اصول اخلاق علمی همچون امانتداری علمی، اصالت علمی متن، عدم تبعیض و عدم جانبداری بهره گرفته شده است.

یافته‌ها: در ارتباط با قواعد ورود به بورس اوراق بهادار از سوی شرکت‌های دارویی و پزشکی، قواعد متمایزی یکی از محورهای اصلی تعارض قوانین و زمینه‌های رفع آن در نظم اقتصادی نوین، مسائل مرتبط با اوراق بهادار و حل و فصل اختلافات حقوقی و قانونی در شرکت‌های دارویی و پزشکی است که در ارتباط با آن‌ها مطرح می‌شود که نظام‌های حقوقی همچون ایران و حقوق بین‌الملل بدان‌ها توجه نموده‌اند. قواعد مناسب حل تعارض قوانین در نظام‌های حقوقی ایران و حقوق بین‌الملل ناظر بر اوراق بهادار در زمینه شرکت‌های دارویی و پزشکی می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در این زمینه ایفا نمایند. در این راستا، با توجه به رویکردی که نظام‌های حقوقی مورد مطالعه اتخاذ نموده‌اند، می‌توان اشاره داشت که تفکیکی میان انواع اوراق بهادار و زمینه‌های نقل و انتقال آن‌ها در نظام حقوقی ایران صورت نگرفته است، در حالی که در نظام حقوق بین‌الملل بسته به اینکه اوراق بهادار، با نام، بی‌نام یا واسطه‌ای باشد، قواعد حل تعارض قوانین در ارتباط با آن متفاوت است.

نتیجه‌گیری: بر اساس دستورالعمل‌های سازمان بورس و اوراق بهادار ایران، هر شرکت خارجی که شامل شرکت‌های دارویی و پزشکی خارجی نیز می‌گردد، سقف خرید اوراق بهادار و سهام در بازار بورس ایران محدود به ده درصد از کل سرمایه در گردش در بورس خواهد بود. این محدودیت همچنین در زمینه انتقال سهام شرکت‌های تجاری دارویی و پزشکی خارجی در ایران وجود دارد و در این زمینه قواعد حل تعارضی نیز در قانون بورس اوراق بهادار ایران پیش‌بینی نشده است و تنها گزینه در این زمینه، رجوع به سازوکار داورى مندرج در قانون مزبور است.

واژگان کلیدی: شرکت‌های پزشکی؛ شرکت‌های دارویی؛ تعارض قوانین؛ اوراق بهادار

نویسنده مسئول: مهدی فلاح خاریکی؛ پست الکترونیک: mehdifallahh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۹؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۸/۲۷

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Sanei SH, Fallah Kharyeki M, Roohi M. Conflict of Laws and the Areas for Resolving it in the Field of Securities Transfer of Pharmaceutical and Medical Companies. Medical Law Journal. 2025; 19: e49.

مقدمه

برخورداری از یک زندگی مولد، سالم و با کیفیت به عنوان حقی همگانی تلقی می‌شود که هم در مکتب اسلامی، هم ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و هم در اصول ۳، ۲۹ و ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بدان اشاره شده است و مسئولیت اجرایی آن نیز بر عهده دولت‌ها بوده است و یکی از پیش‌شرط‌های تحقق توسعه پایدار تلقی می‌گردد. اساسنامه سازمان جهانی بهداشت نیز در سال ۱۹۴۶، برخورداری از بالاترین میزان استانداردهای منطقی و قابل تحقق سلامت بدون اینکه نژاد، مذهب، عقاید سیاسی، موقعیت اجتماعی و اقتصادی مورد نظر باشد، به عنوان حق مسلم هر انسان تلقی می‌نماید (۱). بدیهی است که یکی از مسیرهای برخورداری از حق سلامت، دسترسی به دارو و خدمات پزشکی و درمانی است و شرکت‌های دارویی و پزشکی، بهترین ابزار برای تحقق این بعد از حق بر سلامت هستند. نقش شرکت‌های دارویی و پزشکی از این جهت از اهمیت برخوردار است که محصولات دارویی و درمانی برای ادامه حیات بیماران لازم و ضروری است و نقش مؤثری در روند درمان ایفا می‌کند (۲). شرکت‌های پزشکی و دارویی، یکی از مهم‌ترین شرکت‌های فعال تجاری هستند. این شرکت‌ها با توجه به حجم گسترده منابع مالی در گردش‌شان و همچنین مسئولیت‌های قانونی که متوجه آن‌هاست، اغلب به صورت شرکت‌های سهامی اعم از شرکت‌های سهامی عام و خاص تشکیل می‌شوند. شرکت‌های دارویی و پزشکی که به شکل شرکت سهامی عام تشکیل شده‌اند که اغلب آن‌ها بدین صورت است یا تعاونی سهام عام، می‌توانند به در سیستم حقوق ایران، قانون مهم‌ترین منبع حقوق است و بررسی مسائل مربوط به تعارض قوانین در مورد اوراق بهادار اهمیت بالایی را داراست. قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱، از اقسام شرکت‌های تجاری، شرکت‌های سهامی را به رسمیت شناخته که با توجه به نقش مؤثر سرمایه در آن می‌توان آن را در زمره شرکت‌های سرمایه دانست، مورد بررسی قرار داد و با حکم لایحه قانونی اصلاح بخشی از قانون تجارت ۱۳۴۷ به دو شرکت سهامی عام و خاص تقسیم نمود

(۳). سهامی‌عام‌شدن از بهترین ابزار تأمین سرمایه مورد نیاز یک شرکت است. در این راستا بازار سرمایه در سال ۱۳۸۴ با تصویب «قانون بازار و اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران» با جدی‌ترین تحولات خود مواجه شد (۴). این قانون که در چهارچوب قوانین پنج‌ساله توسعه و اصل ۴۴ قانون اساسی با مباحث مربوط به خصوصی‌سازی به تصویب رسیده است، در ادامه کار خود با تصویب سایر قوانین، آیین‌نامه‌ها، بخش‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مرتبط با موضوعش باعث شد تا بتواند هرچه بیشتر اهداف از پیش تعیین شده اقتصادی این بخش از بازارهای سرمایه و شرکت‌های سهامی عام را دنبال کند (۵).

تبعیت شرکت‌های سهامی عام از لایحه اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷ با تصویب قانون بازار اوراق بهادار ۱۳۸۴ دستخوش تغییرات و تحولاتی گردید که از جمله تحولات مهم آن، بهبود شرایط توسعه بازار سرمایه را موجب شد تا راه توسعه برای بورس کشور هموارتر شود. مورد معامله قرارگرفتن اوراق بهادار شرکت به صورت عام در بازارهای سرمایه موجب جلب توجه محافل، جراید مالی و مردم به شرکت شود. این مسأله در صورتی که شرکت عملکرد اقتصادی خوبی داشته باشد، اجازه می‌دهد پول مورد نیاز خود را بسیار سهل‌تر و ارزان‌تر تأمین کند. این مزایا به بهای موشکافی و نظارت دقیق سهامداران، یعنی کسانی که انتظار دارند عملکرد خوب شرکت همچون گذشته ادامه داشته باشد، به دست می‌آید (۶).

رشد روزافزون تجارت (الکترونیکی و کاغذی) و اقتصاد همراه با نیاز جامعه، برجستگی و نقش پررنگ سهام و سهل‌المعامله بودن آن موجب شد تا ضمن تأکید بر حقوق ایران یک مطالعه تطبیقی با حقوق بین‌الملل صورت پذیرد و بر اساس حقوق قراردادی (کنوانسیون‌ها)، قانون حاکم بر اوراق بهادار تشخیص در ارتباط با سوابق پژوهشی که در این زمینه صورت گرفته است، باید گفت که تحقیقی که به صورت خاص در حوزه تعارض قوانین ناظر بر اوراق بهادار شرکت‌های دارویی و پزشکی باشد، به رشته تحریر درنیامده است و تحقیقاتی که در این زمینه موجود هستند، به جنبه‌های دیگر شرکت‌های دارویی و پزشکی پرداخته‌اند و از این منظر مرتبط نیستند. در هر صورت، در ادامه به چندین تحقیق اشاره می‌گردد:

معین‌الاسلام (۱۳۹۵ ش.) در مقاله‌ای تحت‌عنوان «نقش شرکت‌های دارویی در جهانی‌سازی نظام حقوق مالکیت فکری» به این موضوع پرداخته است که اختراعات دارویی تا چه میزان در کنوانسیون‌های بین‌المللی ناظر بر حقوق مالکیت فکری از جمله کنوانسیون تریپس مورد حمایت قرار گرفته است. در هر صورت، نگاه به نقش شرکت‌های دارویی در این مقاله از جنبه حقوق مالکیت فکری است و نه تعارض قوانین (۷).

منصوری و باقری (۱۳۹۴ ش.) در مقاله‌ای تحت عنوان «ارزیابی عملکرد مالی و رتبه‌بندی شرکت‌های دارویی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از الگوی ترکیبی فرایند تحلیل سلسله مراتبی فازی و ویکور» در ابتدا به این موضوع پرداخته است که در محیط رقابتی امروز، صنایع کشورهای در حال توسعه مانند صنایع داروسازی، افزون بر اینکه از جنبه اقتصادی از اهمیت برخوردارند، تأثیر مستقیمی نیز بر سلامت و شرایط زیستی افراد در جامعه دارند (۸).

روش

روش پژوهش در این تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی است. در این راستا، از منابع معتبر کتابخانه‌ای اعم از منابع دست اول و منابع دست دوم بهره گرفته شده است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها

در ارتباط با قواعد ورود به بورس اوراق بهادار از سوی شرکت‌های دارویی و پزشکی، قواعد متمایزی یکی از محورهای اصلی تعارض قوانین و زمینه‌های رفع آن در نظم اقتصادی نوین، مسائل مرتبط با اوراق بهادار و حل و فصل اختلافات حقوقی و قانونی در شرکت‌های دارویی و پزشکی

است که در ارتباط با آن‌ها مطرح می‌شود که نظام‌های حقوقی همچون ایران و حقوق بین‌الملل بدان‌ها توجه نموده‌اند. قواعد مناسب حل تعارض قوانین در نظام‌های حقوقی ایران و حقوق بین‌الملل ناظر بر اوراق بهادار در زمینه شرکت‌های دارویی و پزشکی می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در این زمینه ایفا نمایند. در این راستا، با توجه به رویکردی که نظام‌های حقوقی مورد مطالعه اتخاذ نموده‌اند، می‌توان اشاره داشت که تفکیکی میان انواع اوراق بهادار و زمینه‌های نقل و انتقال آن‌ها در نظام حقوقی ایران صورت نگرفته است، در حالی که در نظام حقوق بین‌الملل بسته به اینکه اوراق بهادار، با نام، بی‌نام یا واسطه‌ای باشد، قواعد حل تعارض قوانین در ارتباط با آن متفاوت است.

بحث

۱. **تعریف شرکت‌های دارویی و پزشکی:** به صورت کلی، تعاریف مدونی از شرکت‌های دارویی و پزشکی در قوانین داخلی و اسناد حقوقی خارجی صورت گرفته است. برای نمونه در ماده ۱ آیین‌نامه تأسیس و فعالیت شرکت‌های پخش دارویی تصریح شده است: «مؤسسات دارویی به شرکت‌های تولیدکننده، واردکننده و شرکت‌های فوریتی دارو که صلاحیت آنان مطابق با قانون تأیید شده و مجوز فعالیت آن‌ها صادر شده است، اطلاق می‌گردد»، البته در ماده ۲ این آیین‌نامه، شرکت‌های پخش سراسری دارو به عنوان یکی دیگر از انواع شرکت‌های دارویی مطرح شده است. از این رو بر مبنای آیین‌نامه فوق‌الذکر، شرکت‌های دارویی به چهار بخش تقسیم می‌شوند که عبارتند از: ۱- شرکت‌های تولیدکننده دارو؛ ۲- شرکت‌های واردکننده دارو؛ ۳- شرکت‌های فوریتی دارو؛ ۴- شرکت‌های پخش سراسری دارو (۹).

بر اساس ماده ۶ آیین‌نامه تأسیس و فعالیت شرکت‌های پخش دارویی، هر شخص حقوقی که در اساسنامه خود به موضوعات مرتبط با دارو از جمله توزیع دارو اشاره نموده باشد، می‌تواند به منظور فعالیت رسمی بر مبنای ضوابط درخواست دهد. محدودیتی برای نوع شرکت دارویی بر اساس هفت نوع شرکت تجاری که در قانون تجارت برشمرده شده است، وجود ندارد و

این شرکت‌ها می‌توانند به یکی از طرق پیش‌بینی تشکیل شوند با این حال عموماً، شرکت‌های دارویی و پزشکی به شکل شرکت سهامی خاص و شرکت با مسئولیت محدود تشکیل می‌شوند.

۲. شرایط ورود شرکت‌های دارویی و پزشکی به بازار بورس و اوراق بهادار: در این زمینه شرایط خاصی برای ورود شرکت‌های دارویی و پزشکی به بازار بورس و اوراق بهادار تعیین نشده است، اما بهتر است که دامنه نگاه از بازار بورس به بازار سرمایه افزایش پیدا کند، چراکه فعالیت‌های بورسی مختص بورس نبوده، بلکه عمده فعالیت‌های شرکت‌های دارویی و پزشکی در زمینه فرابورس است. معاملات فرابورسی به منظور دسترسی شرکت‌های عمده و متوسط به بازار سرمایه به صورت راحت‌تر وضع شده است و از مزایایی همچون تسهیل نقدشوندگی، کاهش ریسک اعتباری، شفافیت و در دسترس بودن قیمت جاری بازار برخوردار است. شرایطی برای پذیرش شرکت‌ها، از جمله شرکت‌های دارویی و پزشکی هم در بورس و هم در فرابورس وجود دارد که عبارتند از: ۱- نیاز به ثبت در نزد سازمان بورس اوراق بهادار دارند؛ ۲- زیان انباشته‌ای نبایستی داشته باشند؛ ۳- حداقل ده درصد از کل سهام شرکت بایستی شناور باشند؛ ۴- دو سال از بهره‌برداری شرکت دارویی و پزشکی گذشته باشد؛ ۵- مدیرعامل و هیأت مدیره فاقد محکومیت کیفری و سوءپیشینه باشند؛ ۶- حداقل سرمایه ثبت‌شده شرکت دارویی و پزشکی بایستی ۲۰ میلیارد تومان باشد؛ ۷- سودآور باشند؛ ۸- سهام بایستی به شکل سهام بانام باشند.

۳. تعریف اوراق بهادار در نظام حقوقی ایران: سال‌ها در قانونگذاری ایران اوراق بهادار تعریف کلی نداشته است و فقط در بند ۲ ماده یک قانون بورس اوراق بهادار مصوب ۱۳۴۵، دو نوع اوراق بهادار، شامل «سهام شرکت‌های سهامی و اوراق قرضه صادرشده از طرف شرکت‌ها و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به دولت و خزانه‌داری کل» معرفی شده بود.

قانونگذار در سال ۱۳۴۷ با تشکیل شرکت‌های سهامی عام و خاص لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت مربوط به سهام

(مواد ۲۴ لغایت ۵۰) و اوراق مشارکت (مواد ۵۱ لغایت ۷۱) را به عنوان اوراق بهاداری که شرکت‌های سهامی می‌توانند منتشر کنند، در دو بخش مجزا به تصویب رساند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی انتشار اوراق قرضه، طبق نظریه شورای نگهبان ربوی (رباخوارانه) تلقی و خلاف موازین شرع تشخیص داده شد و متروک ماند، سپس مجلس شورای اسلامی با درک این واقعیت که بدون وجود اوراق بهادار در چرخه اقتصادی کشور، این چرخه دچار نقصان می‌شود و برای حل این مسأله، قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت مصوب ۱۳۷۶ را جایگزین اوراق قرضه کرد تا شرکت‌های سهامی بتوانند این اوراق را منتشر کنند (۱۰).

در خصوص اوراق بهادار گفته شده است: اسناد مثلی هستند که به وسیله شرکت‌ها، دولت‌ها، سازمان‌های خصوصی و عمومی و بین‌المللی به منظور تأمین مالی برای اجرایی شدن پروژه‌ها و یا تجارت منتشر می‌شوند. این اوراق به کاهش هزینه تأمین مالی ناشران کمک می‌کند. بند ۲۴ ماده یک قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴، اوراق بهادار را این‌گونه تعریف می‌کند: «هر نوع ورقه یا مستندی است که متضمن حقوق مالی قابل نقل و انتقال برای مالک عین و یا منفعت آن باشد.» «شورا» اوراق بهادار قابل معامله را تعیین و اعلام خواهد کرد. مفهوم ابزار مالی و اوراق بهادار در متن این قانون، معادل هم در نظر گرفته شده است. «ملاحظه می‌شود که این قانون، اوراق بهادار را به صورت «ورقه» یا «مستند» دانسته است؛ منظور قانونگذار از مستند، اوراقی است که در مقابل ورقه کاغذی قرار داشته و جنبه غیر کاغذی و الکترونیکی اوراق بهادار مد نظر بوده است. اوراق بهادار تقسیم می‌شود به سهام شرکت‌ها و اوراقی که برای تأمین مالی آن‌ها منتشر می‌شود. در گذشته از اوراق مشارکت برای تأمین مالی شرکت‌ها استفاده می‌شد، ولی در سال‌های اخیر نوع جدیدی از اوراق بهادار اسلامی برای تأمین مالی شرکت‌ها پیش‌بینی شده است که با عنوان «صکوک» شناخته می‌شود. استاندارد شرعی شماره ۱۷ سازمان حسابداری و حسابرسی نهادهای مالی اسلامی، صکوک را این چنین تعریف کرده است: «گواهی‌هایی با ارزش اسمی یکسان که پس از اتمام عملیات پذیرهنویسی،

تصمیم گرفته شد که تشکیل شرکت و اعطای شخصیت حقوقی به آن فقط با ثبت شرکت‌نامه تحقق پیدا کند (۱۱) و اولین قانون مربوط به شرکت‌ها به این سال برمی‌گردد، در قوانین فوق در رابطه با ثبت اسناد «گزارش تأسیس» که در آن مرسوم بود، مفادی ارائه شده بود و این قانون اولین قدم در رابطه با ثبت قانونی شرکت‌ها بود (۱۲).

کمپانی‌ها به دو دسته تقسیم می‌شدند: کمپانی با مسئولیت نامحدود که در آن مسئولیت شخصی شرکا برقرار است و کمپانی با مسئولیت محدود که تأسیس آن به موجب قانون ۱۸۵۵ میسر شد و قواعد تجدیدنظرشده موسوم به قوانین با سهام مشترک چهارچوب یک شرکت مدون را که مورد ثبت قرار گرفت و دارای تعهدات محدودی بود ارائه نمود.

البته در عمل فقط شرکت‌های با مسئولیت محدود مورد استفاده قرار می‌گیرند، چه سرمایه در آن‌ها به سهام تقسیم می‌شود و از نظر مسئولیت شرکا و جنبه‌های بسیار دیگری به شرکت‌های سهامی ما شبیه هستند. این شرکت‌ها خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: شرکت‌هایی که مؤسسان آن برای تشکیل سرمایه‌شان به عموم مراجعه می‌کنند و «شرکت‌های سهامی عام» نامیده می‌شوند و شرکت‌هایی که این کار برای ممنوع است و سهام آن‌ها قابل انتقال به غیر نیست و از آن‌ها به «شرکت‌های سهامی خاص» تعبیر می‌شود.

مهم‌ترین و پیشرفته‌ترین روش جهت ایجاد شرکت‌های تجاری و از جمله شرکت سهامی از طریق ثبت شرکت است و در قانون شرکت‌های مصوب ۱۹۷۵ و آخرین اصلاحات آن در ۱۹۸۹ به آن اشاره شده است. مقررات مربوط به شرکت‌های سهامی با تحولات قانونگذاری در انگلستان مواجه شده و بارها اصلاح و تغییر یافته است.

این امر در طول سال‌های ۱۹۹۸ لغایت ۲۰۰۵ توسط نهاد تجدید نظر قوانین شرکت‌ها مورد بحث بوده و در اداره بازرگانی و صنایع بین‌الملل تنظیم نهایی گردیده تا اینکه در تاریخ ۸ نوامبر سال ۲۰۰۶ آخرین نسخه قوانین با ۱۳۰۰ ماده، ۶۰۰ صفحه و ۵۹ صفحه ضمیمه به امضای سلطنت بریتانیا رسیده است و در حال حاضر فعالیت شرکت‌های سهامی در

بیانگر پرداخت مبلغ اسمی مندرج در آن توسط خریدار به ناشر است و دارنده آن مالک یک یا مجموعه‌ای از دارایی‌ها منافع حاصل از دارایی و یا ذی‌نفع یک پروژه یا یک فعالیت سرمایه‌گذاری خاص می‌شود. اوراق صکوک ممکن است به صورت بانام یا بی‌نام باشد. با توجه به مطالب پیش‌گفته و در ارائه تعریفی از اوراق بهادار می‌توان گفت که: «اوراق بهادار اعم از اسناد کاغذی یا غیر کاغذی هستند که دارای ارزش مالی و نماینده سرمایه شرکت بوده یا برای تأمین مالی شرکت‌ها منتشر می‌شوند. این اوراق ممکن است ناشی از رابطه قراردادی ناشر با سرمایه‌گذار باشد و این رابطه قراردادی تا زمان حیات آن‌ها موجود باشد یا صرفاً منشأ آن‌ها قرارداد بوده و بعد از جداشدن از منشأ خود مستقلاً مال محسوب شوند.» در واقع اصطلاح اوراق بهادار محدود به سهام شرکت‌های بورسی نیست و کلیه اوراقی که دارای ارزش مالی باشند، اوراق بهادار به حساب می‌آیند. این مسأله را از عنوان این اوراق که «دارای بها» و ارزش هستند، می‌توان دریافت.

۴. تعریف اوراق بهادار در نظام حقوقی بین‌الملل:

همچنانکه در ادبیات مرسوم حقوق بین‌الملل مرسوم است، حقوق بین‌الملل به دو دسته حقوق بین‌الملل عمومی و حقوق بین‌الملل خصوصی تقسیم می‌شود. حقوق بین‌الملل عمومی به روابط میان دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی با یکدیگر به عنوان تابعان فعال حقوق بین‌الملل می‌پردازد و حقوق بین‌الملل خصوصی به روابط غیر حاکمیتی و روابطی که ذاتاً تجاری و مالی است، می‌پردازد. به شرطی که یک جنبه یا همان عنصر حقوقی بین‌المللی داشته باشد. زمانی که صحبت از تعریف اوراق بهادار در نظام حقوق بین‌الملل می‌گردد نیز از آنجا که صحبت از روابط تجاری و شخصی است، رویکرد حقوق بین‌الملل خصوصی نسبت به تعریف اوراق بهادار مورد نظر است و نه رویکرد حقوق بین‌الملل عمومی. تأسیس شرکت‌های تجاری موسوم به Companies در طول قرن هجدهم در این کشور با توسعه تفکرات کاپیتالیسم مدرن آغاز شد. ابتدا کمپانی‌ها، به ویژه کمپانی‌های بزرگ، فقط به موجب فرمان پادشاه یا قانون پارلمان تأسیس شد، ولی از سال ۱۸۴۴

و شرکت را از هم تفکیک کرد، زیرا قانون حاکم نیز در هر دو بند تفکیکی متفاوت می‌باشد.

تعارض قوانین در مرحله انتقال سهام بی‌نام مستقل از مرحله انتشار است و ممکن است مواردی باشد که انتشار سهام تماماً در چهارچوب حقوق داخلی بوده است، یعنی عنصر خارجی که باعث تعارض می‌شود پس از انتشار و صدور سهام در جریان معاملات بین‌المللی سهام و نقل و انتقال آن از کشوری به کشور دیگر اتفاق افتاده است (۱۳).

دلیل تعارض در خصوص سهام بی‌نام این است که سهام بی‌نام ماهیت مختلطی دارد، یعنی از برخی جهات جزء اموال مادی به شمار می‌آیند و از برخی جهات جزء اموال غیر مادی می‌باشند. علت این امر نیز این است که در سهام بی‌نام، حق با سند توأم هست، یعنی حق در سند تجسم یافته است.

در حقیقت به کلیه قواعد و مقررات موجود در یک کشور در خصوص موضوع مورد بحث (مثال: مواد ۸۲۵ تا ۹۴۶ قانون مدنی در خصوص ارث و وصیت)، را قواعد مادی می‌گویند. بنابراین هر کشوری دارای نظام تعارض قوانین مخصوص به خود است و از طرف دیگر نظام حقوقی داخلی مختص خود را دارد (۱۴).

اگر جنبه مادی سهام بی‌نام مطرح باشد، قانون محل وقوع سهام لازم‌الاجرا می‌شود، ولی نباید اموال مادی و سهام را یکی بدانیم، زیرا سهام بی‌نام ظاهراً فقط کاغذ ساده‌ای است و حقیقت آن از حق حامل یا دارنده سهام در برابر شرکت بازرگانی منتشرکننده نشأت می‌گیرد. به دلیل همین ماهیت حقوق مختلط سهام بی‌نام سبب می‌شود که تردید بین قانون محل وقوع حقیقی و قانون محل وقوع فرضی سهام وجود دارد. برای تعیین قانون حاکم بر سهام بی‌نام ابتدا باید دید آیا در مرحله انتقال شکل آن نیز تغییر کرده است یا خیر؟ که اگر شکل سهام تغییر کند، وارد مرحله تبدیل سهام می‌شود.

۵-۲. تبدیل سهام (Conversion): مسأله بی‌نام یا بانام بودن سهام بحث شکلی نیست، بلکه بحث ماهوی است که در نحوه انتقال مؤثر است، پس تابع قانون متبوع حقوقی صادرکننده سهام است و طبق اصول ثابت در حقوق بین‌الملل خصوصی

این کشور تحت نظارت سازمان‌های ناظر و بر اساس قانون شرکت‌های ۲۰۰۶ به اجرا درمی‌آیند و در حال حاضر قوانین سال‌های ۱۹۸۹ و ۲۰۰۶ در مورد شرکت‌های سهامی قواعد جدید لازم‌الاجرا و حاکم است.

در مجموع، حقوق حقوق بین‌الملل بیشتر بر حق اطلاع سهام‌داران تأکید دارد. در واقع، فکر قانونگذار این است که سهام‌دار مطلع از وضع شرکت شریک بهتری برای شرکت خواهد بود. الزام به ثبت شرکت سهامی برای احراز شخصیت حقوقی و نیز وضع کنترل اداری در تأسیس شرکت، در همین راستاست.

۵. قواعد حل تعارض ناظر بر انتقال اوراق بهادار در حقوقی ایران و حقوق بین‌الملل

۵-۱. قانون حاکم بر انتقال سهام بی‌نام: از خصایص بارز سهام قابلیت نقل و انتقال آن است و این قابلیت نقل و انتقال چه در حقوق داخلی و چه در مسأله تعارض قوانین زمانی که عنصر خارجی در میان هست قانون حاکم را نیز تغییر می‌دهد. حق انتقال از مصادیق حقوق مالی سهام است و در خصوص اینکه سهام یک حق مالی است، نباید تردید کرد.

در مرحله ایجاد حق و صدور سهام، قانون حاکم قانون دولت متبوع اشخاص حقوقی صادرکننده است. در این مبحث به انتقال سهام بی‌نام و قانون حاکم بر آن می‌پردازیم.

در نقل و انتقال سهام یا مرحله اثرگذاری سهام، مالک سهام نیز تغییر می‌کند؛ برخلاف تبدیل که در آن مالک تغییر نمی‌کند. در انتقال از نظر ماهوی تنها انتقال مالکیت از شخصی به دیگری است.

تعارض قوانین در مرحله نقل و انتقال سهام بی‌نام قلمرو گسترده‌تری دارد و عنصر خارجی در نقل و انتقال از کشوری به کشور دیگر رخ می‌دهد و اصولاً در مرحله ایجاد یا صدور سهام هیچ تعارضی نیست، ولی در مرحله تأثیرگذاری حق تعارض هست و گاه در هر دو مورد تعارض وجود دارد.

سهام بی‌نام طبیعت مختلطی دارد و بین دسته اموال مادی و دیون قرار گرفته است و برای تشخیص قانون حاکم بر آن بایستی روابط میان انتقال‌دهنده و انتقال‌گیرنده و دارنده سهام

نحوه اداره شرکت‌ها تابع قانون محل اقامتگاه آن‌ها است و در مواد ۴۳ و ۴۴ لایحه قانونی ۱۳۴۷ نیز از تبدیل سهام با نام و بی‌نام صحبت شده است و تشریفات آن پیش‌بینی شده است. در قانون ایران از آنجا که تبدیل سهام در حقیقت تغییر نحوه انتقال حقی است که تجسم پیدا کرده، باید قانون متبوع شخص حقوقی، یعنی ایران صالح باشد، زیرا نحوه انتقال از مسائل ماهوی و مربوط به اداره شرکت‌ها است، نحوه اداره شرکت‌ها نیز طریق قواعد پذیرفته‌شده بین‌المللی تابع قانون اقامتگاه می‌باشد.

بنابراین قانون کشور متبوع شرکت بر آن حاکم می‌شود، در تبدیل برعکس انتقال مسأله سهام تغییر نمی‌کند، تنها شکل سهام از با نام به بی‌نام و بالعکس عوض می‌شود. ضمناً تبدیل سهام با نام و بی‌نام از تشریفات کمتری برخوردار است، زیرا انتقال سهام با نام و یا بی‌نام مربوط به آن، در دفتر ثبت شرکت به ثبت می‌رسد و این سهام بی‌نام به قبض و اقباض منتقل می‌شود (ماده ۴۷ لایحه قانونی ۱۳۴۷ ش.).

در این رابطه حتی در صورت عدم اطلاع سهامدار با نام، شرکت پس از تبدیل، رأساً می‌تواند سهام بی‌نام برای شخص ذی‌نفع با توجه به تعداد سهامش صادر کند.

در خصوص تبدیل سهام مواد ۴۳ تا ۵۰ لایحه قانونی ۱۳۴۷ انواع آن و تشریفاتش را بیان کرده است و شرکت می‌تواند به موجب مقررات اساسنامه یا بنا به تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده سهام را از بی‌نامی به بانام و بالعکس تبدیل کند (ماده ۳ لایحه قانونی ۱۳۴۷ ش.).

بنابراین تبدیل سهام که تغییر شکل سهام است از بانام به بی‌نام و مالکیت فرد تغییری نمی‌کند، از آنجا که رابطه بین دارنده سهام و شرکت مطرح است و وجود انتقال‌گیرنده در کار نیست، زیرا مالک سهام همان مالک قبلی سهم می‌باشد و از آنجا که تبدیل در مرحله انتقال و تأثیر بین‌المللی حق مطرح می‌شود، می‌خواهیم بدانیم قانون حاکم بر سهام کدام است. ممکن است تصور شود که چون انتقال سهام بی‌نام با قبض و اقباض و فاقد تشریفات است تبدیل را همانند اموال مادی تابع قابل محل وقوع مال محسوب کرد و برای تعیین شکل و

تبدیل سهام نیز باید به قانون محل وقوع سهم رجوع کرد، زیرا قانون محل وقوع در صورتی واجد صلاحیت است که سهام بی‌نام باشد، اگر برای تعیین شکل نیز که مسأله‌ای ماهوی است بخواهیم به قانون محل وقوع اوراق بهادار رجوع کنیم، در حقیقت‌گویی جواب را مفروض گذاشته‌ایم و صورت مسأله را پاک کرده‌ایم و سهام و تبدیل آن را خود به خود بی‌نام تصور کرده‌ایم که این راه حل صحیح نمی‌باشد. بنابراین قانون محل وقوع سهام نمی‌تواند ملاک مناسبی باشد و اگر برای تشخیص شکل سهم به قانون محل وقوع رجوع شود، مواجهه با مصادره به مطلوب اجتناب‌ناپذیر خواهد بود، ضمناً رجوع به قانون محل صدور و تنظیم سند که در ماده ۹۶۲ قانون مدنی پیش‌بینی شده است، نیز قابل قبول نیست، زیرا مسأله بی‌نام یا با نام بودن یک سهم مسأله‌ای ماهوی است نه شکلی و موضوع مرتبط با نحوه انتقال حق است و ماهوی می‌باشد و با ساختار خارجی سهام متفاوت است.

در نتیجه در تشخیص قانون حاکم بر تبدیل سهام از آنجا که مسأله‌ای ماهوی است و نیز به شرکت مربوط می‌شود قانون محل وقوع مال و انتشار واجد صلاحیت نیستند، بلکه قانون دولت متبوع شرکت یا شخص حقوقی صادرکننده لازم‌الاجرا و حاکم است. این راه حل در کشور حقوق بین‌الملل و سایر نظام‌های حقوقی نیز پذیرفته شده است و مسأله تبدیل شکل علاوه بر سهام در خصوص اوراق قرضه هم متصور است و ضمناً تبدیل اوراق قرضه به سهام نیز تابع قانون دولت متبوع شخص حقوقی صادرکننده اوراق مزبور است.

در مورد انتقال مالکیت سهام بی‌نام در حقیقت با انتقال الکیت، مالکیت سهام تغییر می‌کند.

ماده ۳۹ لایحه قانونی ۱۳۴۷ مقرر کرده است: «سهم بی‌نام به صورت سند در وجه حامل تنظیم و ملک دارنده آن شناخته می‌شود، مگر خلاف آن ثابت گردد. نقل و انتقال این‌گونه سهام به قبض و اقباض به عمل می‌آید»، ولی مرحله نقل و انتقال سهام با نام متفاوت است. بنابراین همان‌گونه که قانون ماهوی سهام با نام و بی‌نام در خصوص انتقال متفاوت است، قانون حل تعارض آن‌ها نیز متفاوت خواهد بود.

نیز پذیرفته شده است و ماده ۱۰۶ قانون فوق در این مورد مقرر می‌دارد: اموال مادی و اسناد معرف دیون آن در حکم اموال مادی هستند از لحاظ انتقال تابع قانون محل وقوع خود می‌باشند.

در هر حال نباید در مورد جنبه مادی اوراق بی‌نام و تشبیه آن‌ها به اموال مادی مبالغه کرد و باید در نظر داشت که قانون دولت متبوع شخص حقوقی نقش اساسی دارد و ممکن است علاوه بر اینکه در مرحله ایجاد اثر دارد در مرحله اثرگذاری نیز دخالت کند. قلمرو قانون محل وقوع سهام بی‌نام گاهی ممکن است، محدود شود، مثلاً می‌دانیم نتیجه نقل و انتقال سهام بی‌نام این است که شریک جدیدی به جای شریک قبلی می‌آید و اگر اساسنامه شخص حقوقی تشریفات برای این نقل و انتقال بگذارد در آن صورت تنها رعایت قانون محل وقوع سهم کافی نیست و بایستی شرایط اساسنامه هم رعایت شود (۹).

ضمناً در خصوص اسناد بی‌نام که سرقت شده یا مفقود شده‌اند نیز رعایت قانون محل وقوع سند کافی نیست و این قبیل اسناد معمولاً از حوزه تجارت خارج می‌شوند و به موجب قانون کشور متبوع شخص حقوقی ممنوع‌المعامله می‌شوند، مواد ۳۲ تا ۳۲۳ قانون تجارت در خصوص گم‌شدن سهام بی‌نام و اسناد در وجه حامل مواردی را آورده است که قانون محل وقوع را محدود می‌کند و از نقل و انتقال چنین اسنادی جلوگیری می‌کند، بنابراین گفتیم که در رابطه میان انتقال‌دهنده و انتقال‌گیرنده اصل بر این است که قانون محل انتقال یا قانون محل وقوع سهم حاکم باشد، زیرا در این رابطه جنبه عینی و مادی سهام غلبه دارد. هرگاه انتقال سهام به موجب قرارداد صورت گیرد، قانون محل انعقاد یا وقوع عقد قابل اعمال است و محل وقوع عقد و قانون قرارداد صورت گیرد، قانون محل انعقاد یا وقوع عقد قابل اعمال است و محل وقوع عقد و قانون انعقاد یا وقوع عقد قابل اعمال است و محل وقوع عقد و قانون محل وقوع سهم اصولاً بر هم منطبق هستند، زیرا قرارداد در کشوری منعقد می‌شود که سهام در آنجا قرار دارد. بنابراین ماده ۹۶۸ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است» و قاعده قابل اعمال بودن قانون محل وقوع مال: «تصرف و مالکیت بر اشیای منقول و

در خصوص انتقال مالکیت سهام بی‌نام باید رابطه انتقال‌دهنده و انتقال‌گیرنده و رابطه دارنده سهام و شرکت را از هم تفکیک کرد:

۶. رابطه میان انتقال‌دهنده و انتقال‌گیرنده سهام بی‌نام:

در این حالت در خصوص نقل و انتقال مالکیت سهام بی‌نام رابطه میان اشخاص معامله‌کننده مطرح است. همانطور که می‌دانیم در این نوع رابطه نیز دو دسته از روابط را باید از هم تفکیک کرد:

روابط قراردادی اسناد بی‌نام، یعنی نقل و انتقال‌های ارادی و روابط ناشی از قانون و انتقال‌های خارج از اراده: با توجه به این که در مسأله انتقال قراردادی اسناد بی‌نام در رابطه بین افراد جنبه مادی سند بر جنبه غیر مادی آن غلبه دارد، باید قانون محل وقوع سهام را نسبت به آن اعمال نمود، البته باید خاطرنشان کرد که در مورد نقل و انتقال به موجب قرارداد و ارادی دو قانون بر این قرارداد صالح است:

۱- قانون محل وقوع سند؛ ۲- قانون محل انعقاد قرارداد.

در نهایت باید توجه داشت که این دو قانون فقط در ظاهر با هم تفاوت دارند و تقریباً در همه موارد با هم منطبق می‌باشند، زیرا قرارداد در کشوری منعقد می‌شود که سهم در آنجا واقع است، بنابراین اگر یک شرکت ایرانی اوراق بهادار بی‌نام خود را در کشوری دیگر صادر کند و مقررات آن کشور، برای انتقال مالکیت سند مزبور، ثبت در دفتر ثبت شرکت را لازم و اگر دارنده، سند بی‌نام را به شخص دیگری منتقل کند. بدون ثبت در دفتر ثبت انتقال شرکت منتقل‌الیه در روابط خود با شرکت ایرانی صاحب ورقه بی‌نام شناخته خواهد شد، زیرا در قانون ایران صرف قبض و اقباض برای انتقال سهم بی‌نام کافی است، ولی قانون محل وقوع سهام ثبت در دفتر را الزامی می‌داند و در اینجا تعارض حاصل می‌شود بین قانون متبوع شخص حقوقی و قانون محل وقوع سهام. در این حالت اگر قانون محل وقوع سهام بی‌نام را صالح بدانیم، در خصوص انتقال سهام بی‌نام و این قاعده مبتنی بر شباهت این اسناد به اموال مادی است، اگرچه متفاوت می‌باشند و این قانون در کدی معروف به کد بوستمنت که حاکم بر روابط بین کشورهای آمریکایی است

غیر منقول» را تابع قانون مملکتی می‌داند که آن اشیا در آنجا واقع است، قانون حاکم بر نقل و انتقال سهام بی‌نام از منظر انتقال‌دهنده و انتقال‌گیرنده را مشخص می‌کند. در نتیجه این رابطه، یعنی میان انتقال‌دهندگان و انتقال‌گیرندگان سهام بی‌نام جنبه عینی یا مادی سهام بی‌نام غلبه دارد، بنابراین قانون محل وقوع سهام حاکم خواهد بود که ناشی از قاعده حل تعارض قانون وقوع مال است.

۷. رابطه میان دارنده سهام بی‌نام و شخص حقوقی صادرکننده سهام: به موجب این رابطه، یعنی دارنده سهام بی‌نام و صادرکننده سهام بی‌نام که همان شرکت یا شخص حقوقی است، شرکت دخالت مستقیم دارد و این مورد را می‌توان شباهت به سهام بی‌نام دانست، زیرا در خصوص این رابطه جنبه این سهام بی‌نام غلبه دارد، یعنی همانند دیون یا اموال غیر مادی محسوب می‌شود، بنابراین قانون حاکم بر جنبه دینی سهم بی‌نام در رابطه دارنده و شخص حقوقی قانون اقامتگاه مدیون با شرکت بازرگانی صادرکننده سهام بی‌نام می‌باشد.

ضمناً به لحاظ رابطه مستمر سند یا سهام با صادرکننده آن می‌توان گفت صلاحیت قانون حاکم بر سهام که با نقل آن از کشوری به کشور دیگر خللی بر آن وارد نمی‌آید، در مواردی که سرنوشت اعتبار خود سند مطرح است، همچنان محفوظ است، چنانکه اگر طبق آن قانون از سند سلب اعتبار شود، آنچه در تصور انتقال‌گیرنده باقی می‌ماند، فاقد اعتبار پیشین است.

بنابراین برای تشخیص قانون حاکم بر سهام بی‌نام در صورت تعارض قوانین وقتی رابطه انتقال‌دهنده و انتقال‌گیرنده مطرح است سهم بی‌نام در این حالت با توجه به جنبه مختلطی که دارد، جنبه غیر مادی و دینی‌اش غلبه دارد و از این لحاظ سهم بی‌نام را جزء اموال غیر مادی یا دیون می‌دانیم که همانند سهام بانام قانون اقامتگاه مدیون یا شخص حقوقی متعهد ملاک است. این قانون همیشه می‌تواند دین را از سند متمایز کند که در آن صورت دارنده سند در واقع مالک یک ورق‌پاره بی‌ارزش خواهد بود.

بنابراین در روابط دارنده سند و شخص حقوقی صادرکننده آن و یا مسأله سلب مالکیت سند در نتیجه اقدامات دولتی قانون متبوع شرکت یا شخص حقوقی متعهد صالح است، زیرا جنبه غیر مادی سهم بی‌نام غلبه دارد و بایستی همانند سهام با نام تابع قانون اقامتگاه مدیون باشد که همان قانون شخص حقوقی صادرکننده سهام است.

بیشتر حقوقدانان می‌گویند که اقامتگاه مدیون، یعنی شرکت بازرگانی منتشرکننده سهام، محل وقوع فرض سهام محسوب می‌شود. بنابراین قانون حاکم بر انتقال مالکیت سهام، در رابطه میان دارندگان سهام و شرکت بازرگانی معمولاً قانون اقامتگاه شرکت می‌باشد.

۸. قانون حاکم بر انتقال سهام بانام: اسناد با نام از جمله سهام با نام اسنادی هستند که نقل و انتقالشان باید طبق ماده ۴۰ قانون تجارت در دفتر شخص حقوقی (شرکت یا مؤسسه صادرکننده اسناد) ثبت شود.

در خصوص اسناد و سهام بانام همانطور که پیداست کاملاً در ارتباط با شرکت است و تشریفات آن همگی مرتبط با شرکت صادرکننده سند می‌باشند و طبق مواد ۶ و ۷ قانون مدنی شخص حقوقی در این خصوص اهلیت دارد و تمامی مواد مربوط به سهم بی‌نام مرتبط به شخص حقوقی صادرکننده سهام است. این قبیل اسناد جزء دیون محسوب می‌شوند و بنابراین قانون قابل اعمال نسبت به آن‌ها قانون اقامتگاه مدیون است.

در سهام بانام حق دینی غلبه دارد و در دسته دیون قرار می‌گیرند، بنابراین قانون اقامتگاه مدیون که همان شرکت یا شخص حقوقی متعهد صادرکننده سهام بانام است، حاکم می‌شود.

چه در مرحله صدور یا ایجاد حق و چه در مرحله اثرگذاری حق قانون اقامتگاه مدیون حاکم است و در مرحله انتقال و اثرگذاری حق هم چه به صورت قراردادی و چه انتقال ناشی از سلب مالکیت دولتی، قانون حاکم بر سهام با نام قانون اقامتگاه مدیون یا شخص حقوقی متعهد می‌باشد.

در حقیقت اسناد با نام دیونی هستند که انتقال آن‌ها به وسیله ثبت در دفتری که در مرکز شرکت (یا شخص حقوقی) متعهد انجام می‌شود، صورت می‌گیرد. بنابراین قانون قابل اعمال به آن‌ها قانون اقامتگاه مدیون یا شخص حقوقی متعهد است، ضمناً قانونی که بر دین حکومت دارد (قانون اقامتگاه مدیون) لزوماً با قانونی که بر منشأ دین از قبیل قرارداد یا سلب مالکیت دولتی یا اهلیت و... حکومت می‌کند، یکی نیست و دین وضعیت خاصی دارد و اصولاً تابع قانون اقامتگاه مدیون می‌باشد، البته منشأ دین در اجرای قانون صلاحیت‌دار بی‌تأثیر نیست. مثلاً در مورد دینی که از قرارداد ناشی می‌شود، قانون منشأ دین، بر وصف تضامنی آن حکومت می‌کند (۱۵).

برخی معتقدند که در قراردادها باید منشأ دین حکومت کند، ولی در خصوص اسناد با نام رویه و تحلیل و بهترین قانون حاکم مناسب قانون اقامتگاه مدیون می‌باشد، زیرا قانون حاکم بر منشأ دین در این خصوص مطرح نمی‌باشد. در خصوص دیون سه نظریه قانون اقامتگاه داین و قانون اقامتگاه مدیون و قانون منشأ دین وجود دارد که نظریه قانون اقامتگاه مدیون را در خصوص سهام با نام صالح می‌دانیم، این نظریه می‌گوید: پایگاه دین در اقامتگاه مدیون است. کشورهای سرمایه‌پذیر طرفدار اجرای قانون اقامتگاه مدیون هستند. این قانون منافع را بهتر تأمین می‌کند و دلیل توجیه قانون اقامتگاه مدیون، تقارن صلاحیت قانونگذاری و صلاحیت قضایی است، زیرا طبق ضوابط آیین دادرسی مدنی دادگاه صالح برای رسیدگی به دعوی دادگاه اقامتگاه خوانده یا مدیون است و این قاعده باعث می‌شود، مشکلات تعارض قوانین حل شود، زیرا دادگاه قانون کشور خودش را اجرا می‌کند.

چون روش فنی و تشریفات انتقال سهام در همه کشورها یکسان است ممکن است تصور شود که بحث از تعیین حاکم بر سهام با نام بی‌فایده است، در حالی که بین نظام‌های مختلف در ماهیت و آثار انتقال، یعنی مرحله اثرگذاری حق تعارض و اختلاف موجود است.

در حقوق مادی یا ماهوی حقوق بین‌الملل نیز سهام با نام باید در دفتر شرکت به ثبت برسد، ولی ثبت فقط در رابطه بین سهامدار جدید و شرکت مؤثر است. ممکن است انتقال قبل از

ثبت به موجب نوشته‌ای بین طرفین واقع شود و بعداً انتقال‌گیرنده سند انتقال را به شرکت ارائه و تقاضای ثبت آن را به نام خود بنماید و نیز ممکن است انتقال‌دهنده مستقیماً از شرکت درخواست کند که سهم را به نام شخص دیگری به ثبت برساند.

اگر شرکت از ثبت انتقال به دلیل قانونی امتناع کند، خریدار نمی‌تواند پول خود را پس بگیرد، بلکه فروشنده باید به عنوان تراستی (امین) خریدار عمل کند و در نتیجه باید سود سهام را پس از دریافت، به خریدار تحویل دهد.

به هر حال در حقوق حقوق بین‌الملل با اینکه سهام بانام به صورت گواهی‌ای است که به عنوان یک برگ بهادر می‌تواند مورد وثیقه یا معامله دیگر واقع شود، هنوز این قاعده باقی است که ثبت در دفتر به تنهایی موجب مالکیت قانونی است، هرچند که ممکن است انتقال‌گیرنده قبل از ثبت دارای مالکیت منصفانه یا مالکیت منافع که نوعی از مالکیت در کامن‌لا است، تلقی گردد (۱۶).

به عبارت دیگر مالکیت انتقال‌گیرنده تا وقتی که سهم او به ثبت نرسیده، کامل نیست و ثبت در دفتر است که مالکیت او را تکمیل می‌کند.

در حقوق ایران انتقال سهام با نام مشروط به ثبت در دفتر ثبت سهام است. ماده ۴۰ لایحه قانونی ۱۳۴۷ نیز بر این موضوع صحه می‌گذارد و در بند آخر مقرر می‌دارد: هر انتقالی که بدون رعایت شرایط فوق به عمل بیاید از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار است. در حقوق فرانسه نیز گفته شده که حقوق دارنده سهم با نام با ثبت در دفتر شخص حقوقی صادرکننده ثابت می‌شود، در حقیقت ثبت در دفتر در خصوص سهام بانام در حقوق ایران و فرانسه، شرط نفوذ مالکیت سهم است و تا وقتی انتقال در دفتر ثبت نشده، از نظر شرکت و اشخاص ثالث مؤثر نخواهد بود و طرق مدنی انتقال مورد قبول نیست، اگرچه بین طرفین قبل از ثبت معتبر و نافذ می‌باشد و بین دو خریدار متوالی، شخصی که انتقال را به نام خود ثبت کرده است، مالک شناخته می‌شود. در حقوق فرانسه ثبت انتقال در دفتر دارای قدرت اثباتی مطلق است، یعنی آنچنان دلیلی است که خلافتش قابل اثبات نیست و از حمایت

کامل قانونی برخوردار است. ماده ۴۰ قانون تجارت نیز تقریباً همین مفهوم را دارد، هرچند که با اصول مدنی سازگار نیست

۹. قوانین حاکم

۹-۱. قانون حاکم بر صدور یا انتشار سهام بانام (مرحله ایجاد حق): مرحله صدور یا انتشار که همان مرحله ایجاد حق می‌باشد، چه در سهام با نام و چه در سهام بی‌نام از یک قانون حاکم تبعیت می‌کند و آن هم قانون شرکت یا شخص حقوقی می‌باشد، چراکه این امر مربوط به اهمیت شخص حقوقی است و به طور مستقیم با شخص حقوقی و دخالت او در ارتباط است.

در خصوص تعارض قوانین در مرحله صدور یا ایجاد حق در مورد سهام بانام، وقتی تعارض در میان است که در مبادلات بین‌المللی یا بین کشورهای مختلف موضوع مطرح باشد و رد پای عنصر خارجی در این میان دیده شود (۱۷).

صدور سهام با نام ممکن است حین تشکیل شرکت رخ دهد و یا پس از تشکیل شرکت و یا ممکن است سهام خارجی وارد شرکت ایرانی شود. در تمامی این موارد بحث تعارض ممکن است، اتفاق بیفتد. به طور مثال اگر شرکت سهامی ایرانی در کشور ایران سهم با نام منتشر کرد. موضوع مربوط به حقوق داخلی است و فاقد عنصر خارجی بنابراین قانون حاکم نیز قانون ایران و قانون داخلی خواهد بود که همان قانون شرکت می‌باشد که همان محل انتشار یا قانون دولت متبوع پذیره‌نویسان می‌باشد. حال می‌خواهیم بدانیم وقتی انتشار سهام با نام در عرصه بین‌المللی رخ می‌دهد و شرکت ایرانی بر فرض سهام با نام خود را در بازار کشور دیگری عرضه می‌کند، چه قانونی بر مرحله ایجاد حق یا صدور سهام حاکم می‌شود در خصوص تعیین قانون حاکم و یافتن راه حل تعارض، ابتدا بایستی موضوع مورد نظر را در یکی از دسته‌های ارتباط قرار دهیم، به فرض اگر انتشار یا صدور سهام با نام که موضوع مورد نظر ماست را در دسته اسناد قرار دهیم، قانون محل تنظیم سند و اگر در دسته قراردادهای قرار دهیم قانون محل وقوع عقد یا قانون مورد توافق طرفین و اگر در دسته اشخاص قرار گیرد که این دسته صحیح می‌باشد، قانون شرکت، یعنی

کشور اقامتگاه شخص حقوقی صالح خواهد بود و امکان انتشار سهام نه در دسته اسناد قرار می‌گیرد (Lex Loci Actus) و نه در دسته قراردادهای (Lex Loci Contractus) و یا قانون مورد توافق طرفین (Lex Ohincatis)، بلکه در دسته اشخاص قرار می‌گیرد و قانون شرکت حاکم بر آن است. در حقیقت این موضوع از مسائل مربوط به اهلیت شخص حقوقی است که تابع دولت متبوع شخص حقوقی است استفاده از مواد ۶ و ۷ قانون مدنی و مواد ۵۹۰، ۵۹۱ و ۵۸۸ قانون تجارت.

۹-۲. قانون حاکم بر نقل و انتقال سهام با نام (مرحله

اثرگذاری حق): در خصوص نقل و انتقال سهام با نام که همان مرحله اثرگذاری حق می‌باشد، قانون مادی داخلی در ماده ۴۰ لایحه قانونی ۱۳۴۷ این گونه می‌نویسد: «انتقال سهام با نام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و انتقال‌دهنده یا وکیل یا نماینده قانونی او باید انتقال را در دفتر مزبور امضا کند» در خصوص چگونگی تعیین قانون صالح در مورد رابطه دارندگان این گونه اسناد با صادرکنندگان آنها و نیز در اطراف روابط میان اشخاصی که به معامله آنها با یکدیگر می‌پردازند، یادآوری می‌گردد، روابط میان شرکت و سهامداران همان قانونی است که شرکت بر اساس آن تشکیل یافته و خود تابع آن است به نظر باید حاکم باشد (۱۸).

بر عکس اسناد بی‌نام که دین در آنها در سند مجسم شده است و جزء اموال مادی محسوب می‌شوند اسناد با نام دیونی هستند که انتقالشان با ثبت در دفاتری که در مرکز شرکت یا شخص حقوقی متعهد انجام می‌شود، صورت گیرد و بنابراین قانون قابل اعمال نسبت به آنها همان قانون اقامتگاه مدیون یا شخص حقوقی متعهد است.

در خصوص انتقال سهام با نام معمولاً سهامداری که می‌خواهد سهام خود را واگذار کند با شخص دیگری مذاکره و با او در مورد انتقال سهام توافق می‌نماید، ولی این توافق صرف کافی برای تأثیر انتقال مالکیت سهم و سهامدار شناخته شده انتقال‌گیرنده حداقل در روابط با شرکت و اشخاص ثالث نیست و این کار مستلزم تشریفات است (۱۹).

صاحب سهام باید ثبت انتقال به خریدار را در دفتر انتقالات یادداشت و نام خریدار را به عنوان مالک به جای مالک قبلی ثبت نماید. در این صورت، بررسی قانون حاکم بر انتقال مالکیت سهام مزبور بیشتر به آن برمی‌گردد که قانون حاکم بر روش فنی تغییر ثبت نام و آثار آن تعیین شود.

در انتقال، مالک سهام تغییر می‌کند و مالک جدید جانشین مالک سابق خواهد شد. بحث تعیین قانون حاکم بر سهام بانام را برخی بحثی بی‌فایده می‌دانند، زیرا در صورتی که حقوق جوهری یا مادی چند کشور در خصوص مسأله‌ای یکسان باشد ممکن است بحث بی‌فایده باشد، در حالی که این تصور صحیح نیست و در خصوص ماهیت و آثار انتقال سهام بانام اختلافاتی بین نظام‌های حقوق به چشم می‌خورد.

نتیجه‌گیری

شرکت‌های دارویی بخش مهمی از شرکت‌های تجاری را در اقتصاد هر کشور تشکیل می‌دهند. به علت حساسیت‌هایی که در ارتباط با سلامت عمومی وجود دارد، عموماً علاوه بر سازوکارهای عمومی که در ارتباط با فعالیت تجاری شرکت‌ها در هر نظام حقوقی وجود دارد، قواعد اختصاصی برای نمونه کسب مجوزهای لازم از نهادهای متولی بهداشت و سلامت در هر کشور نیز لازم می‌آید. نکته‌ای که در این خصوص می‌توان بدان اشاره نمود، این است که یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های تجاری هر شرکت تجاری، ورود به بازار بورس اوراق بهادار و قواعد حل تعارضی است که به ویژه در مورد شرکت‌های دارویی و پزشکی بین‌المللی که خواهان ورود به دلایل مختلف به بازار بورس و اوراق بهادار دولت میزبان هستند، بدیهی است که در این خصوص، قواعد اختصاصی برای ورود شرکت‌های دارویی و پزشکی به بورس و فرابورس در نظام حقوقی ایران پیش‌بینی نشده است.

بدیهی است که در زمینه قواعد حل تعارض قوانین در زمینه اوراق بهادار شرکت‌های دارویی و پزشکی می‌توان به این نکته توجه شود که آنجا که تنها شرکت‌های سهامی عام اجازه ورود به بازار بورس اوراق بهادار را دارند، از این رو، تعارض قوانین در حوزه اوراق بهادار شرکت‌های دارویی و پزشکی

صرفاً در قالب شرکت‌های سهامی عام معنا پیدا می‌کند. از این رو، در صورتی که در نظام حقوقی دیگری، شرکت دارویی و پزشکی دیگری همچون شرکت‌های با مسئولیت محدود امکان ورود داشته باشند، قاضی ایرانی نمی‌تواند به دعوی رسیدگی نماید. از سوی دیگر، اوراق بهادار آن چنانکه در بند ۲۴ ماده یک قانون بورس اوراق بهادار مندرج شده است، بایستی توسط شورای بورس به رسمیت شناخته شده باشد. مفهوم مخالف این امر آن است که در صورتی که اوراق بهاداری شناسایی نشده باشد، اوراق بهادار مجازی نخواهد بود. در زمینه قواعد حل تعارض اوراق بهادار شرکت‌های دارویی و پزشکی، ذی‌نفعان مختلفی درگیر هستند، همچون شرکت‌های دارنده اوراق بهادار، کارگزار، خریدار اوراق بهادار و... که به هر یک از آن‌ها جداگانه بایستی پرداخته شود.

این نظریه مطرح شده است که، بازشدن تجارت، موجب افزایش دستمزد واقعی در برخی مناطق جغرافیایی (مناطق) که عمدتاً تولیدات صنعتی دارند) می‌شود. با افزایش دستمزد واقعی در این مناطق، نیروی کار بیشتری جذب این مناطق می‌شود و به دلیل وجود صرفه به مقیاس، این فرایند استمرار می‌یابد. نتیجه این فرایند، تمرکز فعالیت‌های صنعتی در چنین مناطقی است. یکی از نمودهای واقعی بازشدن اقتصاد، گسترش نظام حقوقی - اقتصادی ناظر بر اوراق بهادار و قواعد حل تعارض آن است که در اکثر نظام‌های حقوقی، از جمله نظام حقوقی بین‌الملل و ایران مورد توجه قرار گرفته است. پس از این موضوع می‌توان گفت که در خصوص قانون حاکم بر سهام و صدور و نقل و انتقال آن، ابتدا باید دید که آیا اصلاً تعارضی در کار هست یا خیر، یعنی بایستی وجود عنصر خارجی در مبادلات و عرضه بین‌المللی و بین کشورها احراز شود، وگرنه قانون داخلی صالح می‌شود و تعارضی در کار نخواهد بود.

مشارکت نویسندگان

شکوفه صانعی: جمع‌آوری مطالب، نگارش و اصلاح مقاله.

مهدی فلاح خاریکی: نظارت بر نگارش و اصلاح مقاله.

محبوبه روحی: نظارت بر نگارش و اصلاح مقاله.
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت
پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق،
تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای
تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

بیانیه هوش مصنوعی

نویسندگان اعلام می‌دارند که در نگارش این مقاله، از هوش
مصنوعی استفاده نشده است.

References

1. Jafari M, Rezaeizadeh MJ, Abbasi B. Assessment of Iran's Pharmaceutical Legal System from the Perspective of the Consumer's Right to Health. *Iran J Cult Health Promot*. 2020; 4(2): 193-201. [Persian]
2. Mohaqeq Damad SM, Amirhosseini A. Investigating the Consumer Rights on Safety in Iranian Law, *Imamie Jurisprudence and EU Documents*. Special Issue on Right to Health. 2019; 28(1): 13-24. [Persian]
3. Khodabakhshzadeh S, Zayandeh Roudi M, Jalaei Esfandabadi SA. An Analysis of Price Bubbles in the Health Sector of Tehran Stock Exchange. *Financial Economics Quarterly*. 2020; 14(50): 39-61. [Persian]
4. Ramezanzadeh Zeidi A. Factors Affecting the Dividend Policy of Chemical and Pharmaceutical Companies Listed on Tehran Stock Exchange. *Management Quarterly*. 2010; 6(16): 80-100. [Persian]
5. Alipour S. Product Liability and Its Impact on drug and Pharmaceutical Prices: A Comparative Study of Iranian, English, and French Law. *Medical Law Quarterly*. 2016; 10(38): 23-40. [Persian]
6. Moein al-Eslam M. Role of Pharmaceutical Companies in Globalization of Intellectual Property Rights. *Medical Law Quarterly*. 2016; 10(36): 177-199. [Persian]
7. Mansouri A, Bagheri A. Evaluating the Financial Performance and Ranking the Pharmaceutical Companies Listed on the Tehran Stock Exchange by Using Hybrid Approaches of Fuzzy Analytic Hierarchy Process and VIKOR. 2015; 4(13): 86-107. [Persian]
8. Ghaffari H. A Comparative Study on the Regulation of Advertising Pharmaceutical and Medical Products: The Case of Iran, China and Turkey. *Iranian Journal of Law and Bioethics*. 2019; 1(2): 11-95. [Persian]
9. Monfared M. The Conflict between Protection of Pharmaceutical Inventions and Human Rights: A Legal Interpretation of Article 27 of the TRIPS Agreement. *Medical Law Quarterly*. 2016; Special Issue on Intellectual Property Rights: 151-187. [Persian]
10. Jabbari A, Parvin M, Shekarei SH. A Comparative Review of the Registrability of Functional Features in Trademark Law and its Impacts on patient Health and Competition in the Pharmaceuticals. *Iranian Public Law Research Quarterly*. 2024; 25(82): 75-118. [Persian]
11. Junaidi L, Dashti R. A Study of the Legal System Governing Preferred Stocks in Iranian and English Law. *Stock Exchange Quarterly*. 2009; 2(7): 81-104. [Persian]
12. Skini R. The Determination of the Nationality of the Commercial Companies in Comparative and International Law. *Quarterly Journal of Private Law Studies*. 2009; 6(14): 5-24. [Persian]
13. Hiltunen T, Tavvatsaeninen I. *Corpus Pragmatic Studies on the History of Medical Discourse*. New York: John Benjamins Publishing Company; 2022.
14. Kite B. *Introduction to Health Care Management*. Washington: Jones & Bartlett Publishing; 2019.
15. Bourn N. *Principles of Company Law*. London, Sydney: Cavendish Publisher Limited; 2019.
16. Tobin-Tyler E, Teitelbaum J. *Essentials of Health Justice: Law, Policy and Structural Change*. Washington: Jones & Bartlett Publishing; 2022.
17. Eshtaadi E. *Law Governing Joint-Stock Companies in International Transactions*. Master's Thesis. Tehran: University of Tehran; 2012. [Persian]
18. Salmon W, Thompson S. *The Corporatization of American Health Care: The Rise of Corporate Hegemony and the Loss of Professional Autonomy*. London: Springer International Publishing; 2020.
19. Casanova L, Miroux A, Cahen F. *Innovation from Emerging Markets: From Copycats to Leaders*. Cambridge: Cambridge University Press; 2021.